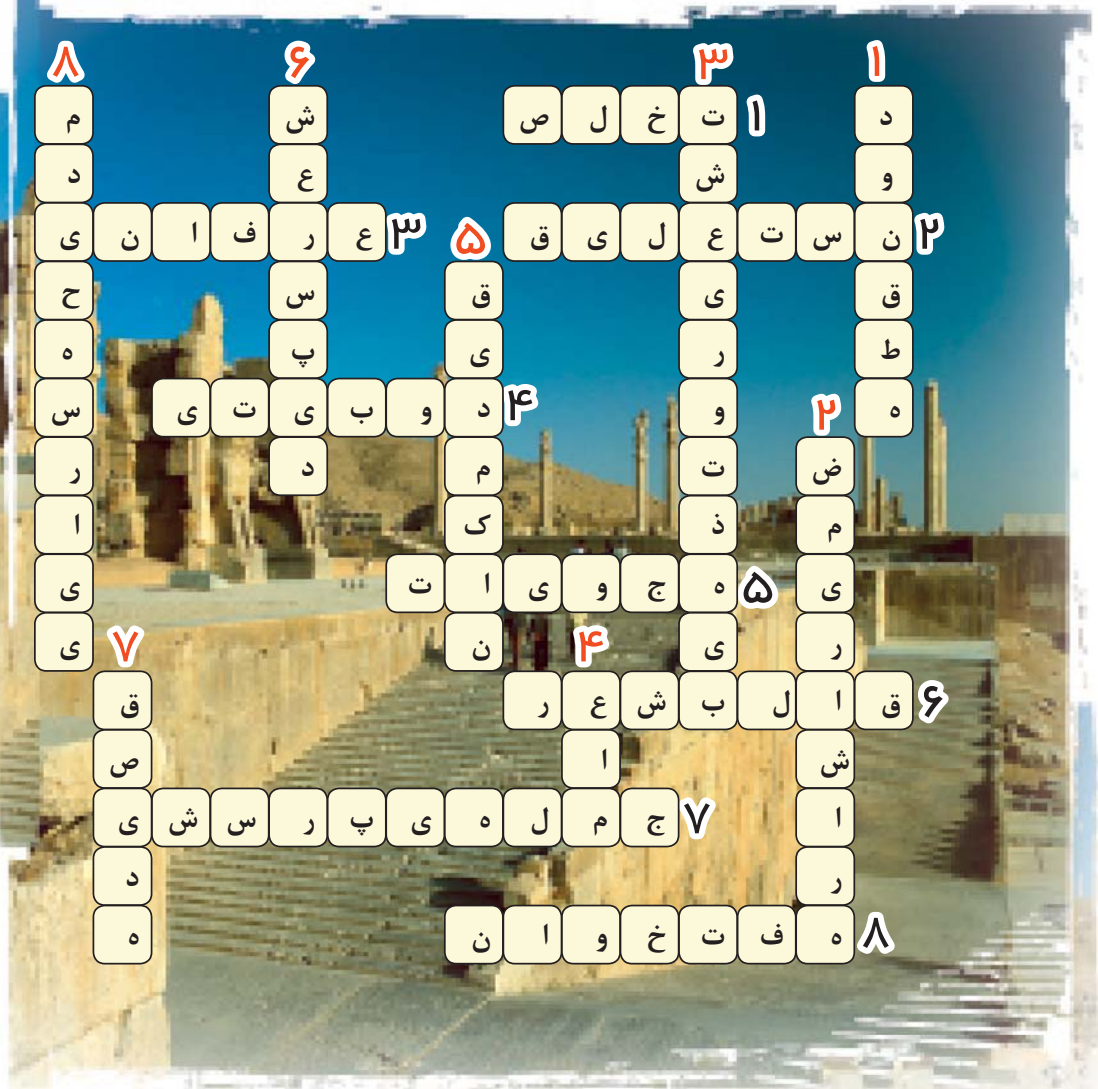




کجا آید

افق

۱. نام یا لقبی که شاعر برای خود انتخاب می‌کند و در بیت آخر شعر می‌آورد. ۲. یکی از شیوه‌های خوش‌نویسی فارسی. ۳. منسوب به عرفان. ۴. یکی از قالب‌های شعری کوتاه که دو بیت یا چهار مصراع دارد و مانند رباعی، مصراع‌های اول و دوم و چهارم آن قافیه دارند، اما وزن آن با وزن رباعی فرق دارد. ۵. شعر یا نثری که ضد مدح باشد و برای مقاصد شخصی به کار می‌رود و سخنی گزنده و صریح و گاه توهین‌آمیز است. ۶. به شکل ظاهری و مضمون شعر گفته می‌شود. ۷. یکی از اقسام جمله. ۸. وقتی شخصی کاری را با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان انجام می‌دهد، این اصطلاح به کار می‌رود.



عمودی

۱. نشانی در نگارش و املا که قبل از نقل قول، هنگام شمارش اجزای یک چیز، و جلوی کلماتی که می‌خواهیم معنی کنیم، قرار می‌دهیم. ۲. یکی از انواع ضمیر. ۳. یکی از ظریف‌ترین هنرهای مسلمانان برای ساخت و پرداخت حاشیه قاف تصویر یا متن که با انواع طرح‌ها و نقش‌های هندسی و گیاهی همراه است و برای تزیین حاشیه و سرفصل‌های برخی کتاب‌ها و در جلدسازی به کار می‌رود. ۴. یکی از انواع اسم در دستور زبان فارسی. ۵. کلمه‌ای که چگونگی انجام فعل را بیان می‌کند و محلی را که اتفاق روی داده است توضیح می‌دهد. ۶. گونه‌ای از شعر نوی فارسی که شعر آزاد هم نامیده می‌شود. ۷. یکی از قالب‌های کهن و کلاسیک شعر فارسی که برای بیان مقاصدی مانند مدح و ستایش و مسائل اخلاقی و دینی و اجتماعی به کار می‌رود. ۸. سخن یا شعری که در توصیف و تمجید شخصی یا چیزی سروده یا گفته شود.